

روند تکوین و تحول بانکداری بدون ریادر

جمهوری اسلامی ایران

مقدمه :

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران، تحول و نوسازی بنیانهها و نهادهای سیاسی و اقتصادی آغاز شد و برای ایجاد سیستم سیاسی و اقتصادی بر مبنای میانی شرع مقدس اقدامات مختلفی صورت گرفت. از جمله این اقدامات، گامهایی بود که در تحول سیستم بانکی و تکوین بانکداری بدون ریادر داشته شد. از اقدامات مهم و تعیین کننده در نوسازی سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی پس از انقلاب، حرکت تدریجی به سمت حذف ریادر از مجموعه عملیات بانکی قلمداد می گردد. هر چند جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری نبود که بدین اقدام دست یازید ولی تنها کشوری بود که عملیات بانکی بدون ریادر کل سیستم بانکی به مرحله اجرا درآورد.

در هر حال، بررسی مراحل تحول سیستم بانکی و کیفیت شکل گیری عملیات فعلی بانکداری

بدون ریادر تنها ما را نسبت به سیر تکوین و تکامل آن آشنایی سازد بلکه ابعاد هر مرحله و دلایل گام نهادن

در مراحل بعدی را روشن می‌نماید. در این مقاله روش تحلیل براساس تحولات تاریخی است و به ترتیب وقوع دسته‌بندی شده است، زیرا تکامل رویه نیز در همین روند تاریخی نهفته است. برای این اساس به عنوان نخستین مرحله شکل‌گیری بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، ملی‌کردن و تغییر مالکیت بانکها مورد بررسی قرار می‌گیرد. زمینه‌های ملی‌کردن و دلایل آن در این قسمت به فراخور نوشتار مطرح می‌شود.

در همین مرحله تصویب لایحه اداره امور بانکهاست که طی آن مقرر شد اداره امور بانکهای ملی برطبق دستورالعمل جدید به طور یکسان صورت گیرد.

در مرحله سوم بانکهای متعدد و متنوع موجود در یکدیگر ادغام گردیدند و بدین ترتیب بانکهای تجاری و تخصصی شکل گرفتند.

چهارمین مرحله که اختصاص به برقراری سود تضمین شده برای سپرده‌ها و کارمزد برای تسهیلات اعطایی دارد، در واقع تحرکات اولیه در تبدیل بانکداری ربوی به بانکداری بدون ربا قلمداد می‌گردد.

مرحله پنجم که مهمترین مرحله شکل‌گیری بانکداری بدون ربا در ایران است اختصاص به مذاکرات شورای پول و اعتبار و تدوین لایحه عملیات بانکی بدون ربا دارد.

ششمین مرحله شامل مذاکرات انجام شده در مجلس شورای اسلامی برای تصویب لایحه عملیات بانکی بدون رباست.

مرحله هفتم نیز اختصاص به اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا طی سالهای ۱۳۶۲

لغایت ۱۳۶۸ دارد.

مرحله هشتم اختصاص به چگونگی تدوین اجرای قانون و تحولات بعدی طی سالهای ۱۳۶۸ لغایت

۱۳۷۱ یافته است .

مراحل هشت گانه فوق روند شکل گیری و تحول سیستم بانکی در جمهوری اسلامی ایران را نشان

می دهد که ذیلا به ترتیب به بررسی هریک از مراحل می پردازیم .

مرحله اول - ملی کردن بانکها :

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ نظام سیاسی و اقتصادی ایران را دگرگون

ساخت . از جمله تحولات پس از انقلاب در عرصه اقتصاد ، ملی کردن شبکه بانکی کشور بود .

قبل از ملی شدن بانکها شبکه بانکی کشور متشکل از ۳۶ بانک بود . از این تعداد ۷ بانک

فعالیتهای تخصصی ، ۲۶ بانک فعالیتهای تجاری و ۳ بانک دیگر فعالیتهای ناحیه ای را بر عهده

داشتند .

از نظر سرمایه ، بانکها به سه بخش دولتی ، خصوصی و مختلط شرح زیر تقسیم شده بودند :

- **بانکهای دولتی :** اعتبارات صنعتی ، بیمه ایران ، تعاون کشاورزی ایران ، توسعه کشاورزی

ایران ، رفاه کارگران ، رهنی ایران ، سپه و ملی ایران .

- **بانکهای خصوصی (سرمایه صد درصد ایرانی) :** اعتبارات تعاونی توزیع ، ایرانشهر ،

بازرگانی ایران ، بیمه بازرگانان ، پارس ، ساختمان ، شهریار ، صادرات ایران ، صنایع ایران ، عمران ،

فرهنگیان ، کار ، گسترش آذربایجان ، گسترش خزر و گسترش خوزستان .

- **بانکهای مختلط (سرمایه مشترک ایرانی و خارجی) :** اعتبارات ایران ، ایران وانگلیس ،

ایران و خاورمیانه ، ایران و عرب ، ایرانیان ، بین المللی ایران ، بین المللی ایران و ژاپن ، تجارت

خارجی ایران ، تجارتی ایران و هلند ، توسعه صنعتی و معدنی ایران ، توسعه سرمایه گذاری ایران ،

تهران و داریوش (۱) •

از جمله دلایل ملی کردن بانکهای دارای مالکیت خصوصی و مختلط آن بوده که گروه معدودی سرمایه داری بزرگ وابسته که مالکیت گروههای بزرگ تولیدی را نیز در اختیار داشتند با تاسیس بانکهای خصوصی قصد داشتند تا ضمن اعمال نفوذ با استفاده از اعتبارات و تسهیلات وسیع شبکه های بانکی، قدرت انحصار خویش را افزایش دهند. هر چند غالب این بانکها در ایران فقد آن تجربه کافی و ضعف شدید مدیریت و سایر مسائل بنیانی بودند. به همین جهت برای تامین منابع مالی خود حتی در شرایطی که نقدینگی موجود در کشور بارشده فوق العاده ای روبه افزایش بود قادر به تامین منابع سپرده های کافی نگردیدند و لاجرم نه تنها متکی به بانک مرکزی باقی ماندند بلکه قسمتی از کسری منابع خود را از بازارهای جهانی با بالاترین نرخهای بهره و نامساعدترین شرایط تامین می نمودند و از آنجا که این بانکها هدفشان تامین هر چه بیشتر سود بود لذا از دست زدن به هرگونه اقدام پر مخاطره ای اجتناب داشتند و بدون رعایت دقیق موازین صحیح بانکی، پرتفوی خود را مرتباً از اوراق کم اعتبار و ضمانتهای سنگین انباشتند. مجموع این عوامل آنها را بطرف انحطاط مالی شدید سوق داد و در چنان موقعیست متزلزلی شدند که در اواسط سال ۱۳۵۷ با اولین شوکهای ناشی از انقلاب تا مرحله توقف و ورشکستگی سقوط نمودند (۲) •

لذا ملی کردن بانکها نه تنها از ضرورتهای ناشی از انقلاب و شرایط پس از انقلاب نشأت می گرفت بلکه همچنین از دیدگاههای خاصی نسبت به بانکداری ناشی می شد. بدین ترتیب که برخی از صاحب نظران بانکداری بدون ربا معتقد بودند: بانکداری بدون ربا یک بانکداری ملی است و مالکیت آنها نمی تواند در اختیار بخش خصوصی باشد بلکه دولت به نمایندگی از مردم به حراست از منافع ملی می پردازد. از اینرو ملی کردن بانکها را نخستین مرحله زدودن ربا از بانکهای ربوی

می دانستند .

" نظریه اینکه بانک یکی از نهاد های بسیار مهم اقتصاد هرکشور است و توسعه و پیشرفت اقتصاد ی هرکشور بستگی مستقیم با عملکرد آن دارد ، پس این نهاد اقتصادی باید درجهتی گام بردارد که همواره منافع جامعه حفظ شود . تجربه نشان می دهد وقتی بانک در مالکیت بخش خصوصی باشد وانگیزه نهایی بانک کسب سود هرچه بیشتر واستثمار مردم باشد ، رسالتی که بانکها برای سالم سازی وثشبیت اقتصاد کشور دارند فراموش شده وبانک به یک واحد انتفاعی که تنها هدفش ثروت اندوزی است تبدیل خواهد شد . نقش اصلی بانک امانت داری سرمایه های مردم ، انجام سیاست پولی وبه جریان انداختن اقتصاد کشور از طریق بکارگیری پس اندازهای توده مردم در امر سرمایه گذاری است . ولی در مواردی دیده شده است بانکهای خصوصی در انجام این وظایف سستی نموده اند . نتیجه آن نیز چیزی جز ورشکستگی بانک وازبین رفتن امانتهای مردم وعدم ثبات کشور نبوده است . ازاین رو مالکیت خصوصی بانکها چه در سیستم بانکداری ربوی وجه در نظام بانکی بدون بهره نمی تواند در جهت منافع اقتصاد کشور باشد ، چرا که صرف انتفاعی بودن بانکها با منافع مردم منافات دارد . بنابراین برای جلوگیری از استثمار افراد ، تمرکز ثروت وایجاد تورم در جامعه وتوسعه اقتصاد مصرفی مالکیت بانکها باید ملی باشد . سرمایه اولیه این بانکها باید توسط دولت تهیه ودولت به نمایندگی از ملت اداره این واحد های مهم اقتصادی رابعهد ه گیرد . بانکی که بدین صورت تشکیل می شود باید کاملاً زیر نظر دولت اداره شود ودخل مت اقتصاد کشور باشد . البته بانکهایی که ملی اعلام می شوند از جنبه های مختلف باموسسات دولتی تفاوتی دارند . مثلاً بودجه موسسات دولتی از بودجه عمومی دولت تامین می شود درحالیکه دخل وخرج بانکهایی که ملی اعلام می شوند با خود آنهاست . در تنظیم بودجه اداره کنندگان آنها که توسط دولت منصوب می شوند آزاد عمل دارند .

هرچند مقررات فعالیتهای اقتصادی و تجاری بانکها مثل خرید و فروش اموال، استخدام پرسنل و مدیریت و غیره را قانون تعیین می کند " (۳) .

در سال ۱۳۵۸ دستگاه برنامه ریزی کشور نیز ملی کردن بانکها را امری اجتناب ناپذیر می دانست: "یکی از عمده ترین وظایف دولت انقلابی در مرحله کنونی، ملی کردن بانکها اعم از بانکهای تجاری، تخصصی، داخلی و خارجی است که به منزله نخستین اقدام اساسی در جهت کاهش وابستگی اقتصادی محسوب می شود. برای این منظور ملی کردن بانکها باید به صورت تام و کامل انجام گیرد و صاحبان و کنترل کنندگان قبلی این بانکها نباید به هیچ عنوان در تخصیص اعتبارات دخالت نمایند. توزیع اعتبارات در بانکهای ملی شده بر مبنای برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت دولت و در جهت مصالح عمومی کشور صورت می گیرد. ملی کردن بانکها می تواند تهیه و اجرای برنامه های اقتصادی دولت ملی را به نحو قابل ملاحظه ای تسهیل نماید. کنترلی که دولت بدین طریق بر سیستم بانکی در سطح کشور اعمال می کند تامین منابع مالی مورد نیاز برنامه های اقتصادی را آسانتر و مطمئن تر می سازد. در صورت ملی کردن بانکها، نیل به هدفهای دولت ملی در زمینه تعدیل توزیع درآمد ها و توسعه اقتصادی امکان بیشتری می یابد (۴) .

علاوه بر آن شرایط بحرانی پس از انقلاب نیز از عوامل موثر در ملی کردن بانکها بود. از جمله

مهمترین این عوامل می توان به عوامل ذیل اشاره نمود:

- انتقال سپرده ها به خارج توسط سرمایه داران وابسته .
- سلب اعتماد مردم از بانکها و هجوم آنها برای استرداد سپرده های خود .
- وضعیت نامساعد اغلب بانکهای خصوصی و خطر ورشکستگی قریب الوقوع .

بدین ترتیب شورای انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۷ کلیه بانکهای خصوصی و مختلط

راملی ود ولتی اعلام کرد . اهم د لایلی که برای ملی کرد ن بانکها د آن زمان عنوان گردید بدین شرح بود .

- الف - نقش اساسی بانکها د اقتصاد کشور و ارتباط طبیعی اقتصاد کشور با موسسات بانکی .
 - ب - مدیون بودن بانکها به دولت و احتیاج آنها به سرپرستی دولت .
 - ج - لزوم هماهنگی فعالیت بانکها با سایر سازمانهای کشور .
 - د - لزوم سوق دادن فعالیت بانکها د جهت اداری و انتفاعی اسلامی .
 - ه - نظارت بر نحوه تحصیل درآمد بانکها و جلوگیری از انتقال غیر مشروع سرمایه ها به خارج .
- متعاقب تصویب لایحه ملی شدن بانکها اصلاحیه ای مبنی بر مستثنی شدن بانکها از ماده ۱۱۶ قانون تجارت ، توسط شورای انقلاب اسلامی به تصویب رسید .

مرحله دوم - تصویب لایحه اداره امور بانکها :

بدنبال تصویب قانون ملی شدن بانکها و تغییر نوع مالکیت بانکهای خصوصی و مختلط اداره امور شبکه بانکی کشور بایستی بر طبق سیستم جدید تغییر می نمود . بدین منظور لایحه ای برای نحوه اداره بانکها د ر تاریخ ۱۳۵۸/۷/۳ به تصویب رسید . در این مصوبه که قانون اداره امور بانکها نامیده شد ، ارکان بانکها به ترتیب ذیل تعیین گردید :

- مجمع عمومی بانکها - شورای عالی بانکها - هیات مدیره بانک - مدیرعامل - بازرسان بانک .

مجمع عمومی بانکها چنین تعیین گردید : وزیر امور اقتصادی و دارایی ، وزیر صنایع و معادن ، وزیر بازرگانی ، وزیر کشاورزی و عمران روستایی ، وزیر مسکن و شهرسازی ، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه و این وظایف برای آن بر شمرده شد : رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و

صورت داری و دیون و صورتحساب دوره عمل سالانه و تصویب ترانزنامه و بودجه بانک، اتخاذ تصمیم درباره انداخته هر یک از بانکها و تصویب سود ویژه، انتخاب اعضای هیئت مدیره بانکها بنا به پیشنهاد شورای عالی بانکها، انتخاب مدیران عامل بانکهای تجاری به پیشنهاد دوزیر بازرگانی و بانکهای تخصصی به پیشنهاد وزیر مربوط و ارائه نظر مشورتی به شورای عالی بانکها و انتخاب بازرسان قانونی هر یک از بانکها.

شورای عالی بانکها متشکل از هشت نفر شامل رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مدیرعامل بانک ملی ایران و نمایندگان وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی، مسکن و شهرسازی، کشاورزی، بازرگانی، صنایع و معادن و نماینده سازمان برنامه و بودجه است. از جمله وظایف این شورا پیشنهاد اعضای هیئت مدیره بانکها، ایجاد هماهنگی در امور بانکها، اظهار نظر مشورتی در مورد انتخاب مدیران عامل بانکها، رسیدگی به بودجه بانکها، اظهار نظر در مورد افزایش یا کاهش سرمایه بانکها و اتخاذ تصمیم درباره سیاستهای کلی اقتصادی و اعتباری و اداری بانکها و سایر مسائل مربوط به اداره امور بانکها.

گروه بندی بانکها و فراهم کردن زمینه های ادغام بانکهای تخصصی و تجاری در قانون اداره امور بانکهای ملی شده بعد از مجمع عمومی بانکها گذاشته شد. مجمع عمومی نیز زمینه های لازم برای طی کردن سومین مرحله تحول در بانکداری سنتی در ایران را فراهم کرد.

مرحله سوم - اجرای قانون ادغام بانکها :

سومین مرحله از دگرگونی در نظام بانکداری سنتی در ایران، ادغام بانکها در یکدیگر بود. بدنبال ملی کردن و تصویب لایحه اداره امور بانکها، ادغام و تغییر سازماندهی شبکه گسترده بانکی

اجتناب ناپذیر بود. از واقعیت‌هایی که سیستم بانکی با آن مواجه بود، روند گسترش بی‌رویه ایجاد بانک‌های متعدد و متنوع طی سال‌های منتهی به ۱۳۵۷ بود. به گونه‌ای که تعداد بانک‌های کشور به استثنای بانک مرکزی از ۲۴ بانک در پایان سال ۱۳۵۲ به ۳۶ بانک در پایان سال ۱۳۵۷ افزایش یافت. این تعداد شامل ۷ بانک تخصصی، ۲۶ بانک تجاری و ۳ بانک گسترش ناحیه‌ای بود. از کل بانک‌های فوق ۱۳ بانک مختلط با سهام خارجی حداقل ۱۵ درصد و حداکثر ۴۰ درصد در سیستم بانکی فعالیت داشتند که یک بانک آن مختلط دولتی و بقیه خصوصی بود.

از طرف دیگر تعداد واحد‌های بانکی از ۶۹۹۳ در سال ۱۳۵۲ به ۸۲۷۴ واحد در پایان اسفند سال ۱۳۵۷ افزایش یافت. از این تعداد ۲۱۶۷ واحد در تهران و ۱۸۹۷ واحد آن در مراکز استان بوده و ۴۱۲۴ واحد مربوط به سایر نقاط بود. ۸۶ واحد بانکی و یک نمایندگی نیز در خارج از کشور فعالیت داشتند.

در این افزایش بی‌رویه شعب بانک‌های تجاری بیش از حد لازم گسترش یافته و این امر گذشته از آثار زیانباری که بر تخصیص منابع مالی و فیزیکی اقتصاد کشور داشت موجب گردید کنترل و نظارت بر سیستم بانکی و اجرای صحیح سیاست‌های پولی و اعتباری با مشکلات بزرگی مواجه شود. همچنین افزایش شعب بانکها، هزینه‌های پرسنلی، اداری، استهلاک ماشین‌آلات و ساختمان‌های شعب بانکی را د و چند ان کرد ه بود .

بنابراین به طور خلاصه دلایل ادغام بانکها را می‌توان بترتیب ذیل برشمرد.

۱ - بالا رفتن هزینه‌های پرسنلی و اداری (هزینه‌های غیر بهره‌ای)

۲ - اتلاف منابع مالی و انسانی

۳ - زیاد بودن سودآوری برخی بانکها از راه‌های نامعقول

۴ - کسری منابع مالی گروهی از بانکها و تامین آنها از طریق اخذ وامهای خارجی با هزینه‌های

هنگفت به علت عدم وجود رابطه صحیح مالی بین بانکها .

۵ - عدم قدرت اجرایی بانک مرکزی و سیاستهای پولی و اعتباری به علت نفوذ بیش از حد

صاحبان بانکها در دستگاههای دولتی و تغییر قوانین و مقررات جاری کشور به نفع خود و به زیان

تولید کنندگان کوچک .

برای ادغام بانکها به طور عمد ه ۴ طرح وجود داشت :

۱) سیستم تک بانکی : ادغام کلیه بانکهای تجاری و تخصصی در یک بانک واحد، با

سرمایه ای برابر کل سرمایه ۳۶ بانک ادغام شده .

۲) سیستم دوبانکی : ادغام کلیه بانکها در دو بانک تجاری و صنعتی .

۳) سیستم سه بانکی : ادغام کلیه بانکها در یک بانک تجاری و دو بانک تخصصی کشاورزی

و صنایع و معادن .

۴) چند بانک تجاری و چند بانک تخصصی : ادغام کلیه بانکها در ۶ بانک تجاری و ۳ بانک

تخصصی و بانکهای استان . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از بین چهار طرح فوق ، بدلیل ذیل طرح چهارم برگزیده شد :

الف- به علت وجود چند بانک تجاری و چند بانک تخصصی ، رقابت بین بانکها افزایش می‌یابد .

ب - قدرت بانک مرکزی در طرح اخیر بیشتر از سایر طرحهاست و در نتیجه نفوذ دولت در

سیستم بانکی کمتر بوده و سیاست پولی استقلال بیشتری از سیاست مالی خواهد داشت .

ج - اصل تخصص بانکی رعایت گردیده و در نتیجه تخصص در سطح مدیریت بیشتر مورد

استفاده قرار می‌گیرد .

د - به علت وجود بانکهای متعدد تجاری و تخصصی ، مدیریت و کنترل بانکها آسانتر است و تماس بین کارکنان بانک و مقامات بالاتر بیشتر خواهد بود .

ه - مشکل بیکاری تشدید نمی شود (۵) .

طرح ادغام بانکها توسط شورای عالی بانکها تهیه و پیشنهاد شد و در تاریخ ۲۵ مهر ماه ۱۳۵۸ در دومین جلسه مجمع عمومی بانکها مطرح و با اصلاحاتی به تصویب رسید و از ۲۸ آذر ماه ۱۳۵۸ رسماً به مرحله اجرا درآمد .

با اجرای طرح ادغام تعداد واحد های بانکی از ۸۲۷۴ واحد در سال ۱۳۵۲ به ۶۵۸۱ واحد در پایان سال ۱۳۶۱ محدود گردید . همچنین تعداد کارکنان بانکها نیز تا پایان سال ۱۳۶۱ به ۶۹۱۸۹ نفر یعنی حدود ۷۰۸۱ نفر کمتر از پایان اسفند ۱۳۵۲ تقلیل یافت .

تعداد واحد های بانکی در سه مقطع زمانی بشرح جدول ذیل بوده است .

تعداد واحد های بانکی در داخل و خارج کشور قبل و بعد از ادغام

سال	خارج از کشور	تهران	کل کشور
۱۳۵۱	۳۶	۱۸۸۱	۶۹۹۳
۱۳۵۲	۸۶	۲۱۶۶	۸۲۷۴
۱۳۶۱	۵۸	۱۶۶۴	۶۵۸۱

بر اساس طرح ادغام ، بانکهای ملی ایران ، سپه و رفاه کارگران به فعالیت خود ادامه دادند و بانکهای تجارت و ملت از ادغام چند بانک بازرگانی بوجود آمدند و بانک صادرات ایران در تهران تحت همین نام به فعالیت ادامه داد و شعب بانک صادرات در استانها به همراه بانکهای گسترش ،

بانکهای استان را تشکیل دادند .

بدین ترتیب ۲۶ بانک تجاری و تخصصی به صورت ۳ بانک تخصصی (مسکن ، کشاورزی ، صنعت و معدن) و ۶ بانک تجاری (ملی ، سپه ، ملت ، تجارت ، صادرات و رفاه کارگران) و ۲۳ بانک استان درآمدند .

مرحله چهارم - برقراری حد اقل سود تضمین شده و کارمزد :

چهارمین مرحله تحول در سیستم بانکداری سنتی ، تعیین سود تضمین شده برای سپرده های

پس انداز و مدت دار و میزان کارمزد برای اعطای وامهای مختلف بشرح ذیل بود :

الف - حد اقل سود تضمین شده برای سپرده های سرمایه گذاری : از اول سال ۱۳۵۸ به

سپرده های ثابت و پس انداز سودی به عنوان حد اقل سود تضمین شده تعلق گرفت . این سود برای

سپرده ثابت ۸/۵ درصد و برای سپرده پس انداز معادل ۷ درصد در سال تعیین شد . همچنین

اعلام شد که علاوه بر حد اقل سود یاد شده ، در صورتی که در پایان هر سال بانک سود اضافی داشته

باشد به نسبت میزان سپرده سود اضافی به صاحبان سپرده ها پرداخت می گردد . بنابراین تجهیز

منابع به روش تعیین حد اقل سود تضمین شده صورت می گرفت .

ب - تعیین کارمزد برای اعطای وام : از اول سال ۱۳۵۸ احتساب و دریافت بهره از انواع

وامها و سایر تسهیلات اعتباری حذف و برای جبران هزینه های آن بانک کارمزد و سهم سود تضمین شده

را برای وامهای مختلف به این شرح تعیین نمود : وامهای مسکن انفرادی اعم از احداث ، خرید ،

تکمیل و تعمیر مسکن ۴ درصد ، در مورد وامهای اعطایی برای ساخت مجتمع های مسکونی چند واحدی

که به عنوان سرمایه گذاری (نه استفاده شخص وام گیرنده) پرداخت شده است ، موضوع وام متفاوت

بوده و به عنوان يك طرح سرمايه گذارى تلقى وحد اقل سود ، تضمين مى گردد يد ، بانك در چارچوب سياستهای وزارت مسكن و شهرسازى آن را تعيين مى كرد . در مورد وامهای کشاورزی ، توليد صنعتی و معدنی ۴ درصد و طرحهای سود آور بخشهای ياد شده مشمول حد اقل سود تضمين شده در مورد بخش بازرگانی وسایر خدمات ضروری نرخ کار مزد همان ۴ درصد بود ولی چون در بخش بازرگانی و خدمات ، سود ناشی از عملیات بازرگانی قابل توجه برآورد می شد از این رو حد اقل سود تضمين شده ۶ تا ۸ درصد از بازرگانان یا سرمايه گذاران در امور خدماتی درخواست می شد که در صورت حصول سود بالاتر ، سهم بانك را پرداخت نمایند . نرخ کارمزد تسهیلات صاد راتی نیز ۴ درصد در سال و نرخ سود تضمين شده ۴ درصد از سود حاصل از صد و کالای تعیین شد (۲) .

عمده ترین دلایل برقراری سود تضمين شده به جای بهره عبارت بود از :

- ۱ - بهره در اسلام تحریم شده است از این رو باید از سیستم بانکی حذف شود .
- ۲ - دریافت سود در اسلام حلال است از اینرو می تواند به عنوان جایگزین بهره در نظر گرفته شود .
- ۳ - از آنجا که برای تجهیز منابع نرخ سود قابل قبولی لازم است تا سپرده گذاران انگیزه سپرده گذاری داشته باشد نرخ سود تضمين گردد يد .
- ۴ - به دلیل وجود تورم در جامعه حذف بهره از پس انداز کاری ظالمانه و به معنای استثمار پس انداز کنندگان توسط سیستم بانکی است . از اینرو در صورت حذف بهره باید مکانیسمی جایگزین شود که يك حد اقل سود را برای سپرده گذاران تضمين نماید .

طی حدود و وسال اجرای سیاست فوق ، سیستم ایجاد شده مورد اعتراض صاحب نظران و اندیشمندان حوزه ود انشگاه کارشناسان اقتصادى و دست اندرکاران امور بانکی قرار گرفت . محور

مخالفتها بشرح ذیل بود :

- ۱ - نرخ سود تضمین شده همان نرخ بهره است و تنها عنوان و نرخ تغییر کرده و اعطای نرخ ثابت به سپرده گذار و اخذ نرخ ثابت از وام گیرنده تغییر نکرده است . حتی تعیین نرخ کارمزد ثابت نیز صحیح نیست زیرا هزینه عملیات بانکی در پایان هر سال تعیین می گردد (۸) .
- ۲ - این اقدام يك تغییر صوری است زیرا همان بهره ۱۱/۵ درصد و امپاهه و قسمت تقسیم شده است . يك قسمت کارمزد ۴ درصد است و مابقی بعنوان سود تضمین شده .
- ۳ - از موارد بی توجهی در سیستم جدید (کارمزد - سود تضمین شده) آن بود که کارمزد به طور سالانه ۴ درصد تعیین شده بود در حالی که کارمزد در واقع حق الزحمه انجام يك خدمت بانکی یا ارائه تسهیلات است که فقط یکبار دریافت می شود نه به طور سالانه .
- ۴ - بایرقراری سود تضمین شده اگر يك تولید کننده کمتر از نرخ سود مورد انتظار سود برد مجبور است معادل حد اقل سود تضمین شده به بانک بپردازد بنابراین در عمل مانند بهره عمل می کند .
- ۵ - معیار در حرمت ربا ، تعیین زیادتی در قرض است . در سیستم (کارمزد ، سود تضمین شده) نیز زیادتی به د صورت کارمزد ثابت و حد اقل سود تضمین شده ثابت تعیین شده است .
- ۶ - پول نباید منشاء درآمد باشد . در سیستم بانکی مبتنی بر حد اقل سود تضمین شده کارمزد سپرده گذاری منشاء درآمد است و از این جهت تفاوتی بین بانکداری ربوی و غیر ربوی نیست تنها تفاوت در نرخ آن است .
- ۷ - بر اساس سیستم جدید کارمزد - حد اقل سود تضمین شده ، بانکها تنها در طرحهای سود آور سرمایه گذاری می کنند و طرحهایی که سود آوری ندارند یا کمتر از سود تضمین شده منفعست داشته باشد به عهد دولت گذاشته می شود ، در حالی که سود آوری محور عملیات يك بانک بدون ربا

نیست و اصولاً ارائه خدمات بانکی و واسطه‌جوه‌بودن و تسهیل امور پولی، بانکی و بطور کلی سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور هدف اصلی است. از این رو برقراری حد اقل سود تضمین شده به دنبال تحقق همان هدف بانکداری ربوی است.

مرحله پنجم - مطالعه و تدوین لایحه حذف ربا و اصلاح سیستم بانکی :

بدنبال اعتراضات متعدد، در قانون بودجه سال ۱۳۶۰ دولت موظف گردید ظرف ۶ ماه مطالعات و بررسیهای لازم جهت تدوین پیش‌نویس عملیات بانکی بدون ربا (۹) را انجام و لایحه مربوطه را تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید. بدنبال مصوبه مجلس شورای اسلامی در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واحدی بنام دفتر تحقیقات، برنامه ریزی و نمونه سازی بانکداری اسلامی ایجاد شد تا به بررسی در زمینه حذف کامل بهره از سیستم بانکی و ایجاد بانک نمونه اسلامی بپردازد. به این منظور دو گروه مطالعاتی بطور همزمان و به موازات هم در وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد و نتایج مطالعات دو گروه در جلساتی که با حضور حضرات آیات محمدرضا مهدوی کنی و غلامرضا رضوانی تشکیل می‌شد، مورد بررسی قرار گرفت. با ادامه تحقیقات در این زمینه سرانجام جلساتی با شرکت دو گروه تشکیل و طرح لایحه قانونی مربوط به حذف بهره و انطباق عملیات بانکی با موازین اسلامی تهیه و تنظیم گردید. مصوبات مربوطه که بصورت پیش‌نویس لایحه ظاهر گردید طی جلسات متعدد شورای پول و اعتبار مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفت. از این رو پنجمین مرحله شکل‌گیری بانکداری بدون ربا در ایران اختصاص به مصوبات شورای پول و اعتبار طی سالهای ۱۳۶۰ لغایت ۱۳۶۲ دارد (۱۰).

مرحله ششم - محور مذاکرات در مجلس شورای اسلامی :

در تاریخ پانزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ توسط وزارت امور اقتصاد و ارایه لایحه عملیات بانکی بدون ربا به هیات دولت ارائه شد . لایحه مذکور در نوزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ هیات وزیران تصویب و در تاریخ بیست و یکم همان ماه به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید . لایحه تقدیمی در کمیسیون ویژه ای مرکب از نمایندگان علاقمند و آشنا به مسائل اقتصادی و بانکی و مسئولان دولتی ، اقتصاد دانان و متخصصان فن بانکداری در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفت . پس از شور اول و با اصلاحاتی در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۸ برای طرح شوردوم به جلسه علنی ارجاع گردید .

لایحه عملیات بانکی بدون ربا مشتمل بر پنج فصل و ۲۷ ماده در جلسات متعدد مجلس شورای اسلامی مورد بحث و در جلسه علنی روز سه شنبه هشتم شهریور ماه ۱۳۶۲ به تصویب نهایی رسید و در تاریخ دهم شهریور ماه همان سال با یک تغییر جزئی مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت . بدین ترتیب ششمین مرحله تکامل عملیات بانکی بدون ربا طی شد .

نظریه اهمیت مذاکرات انجام شده در این مرحله ، ذیلاً به محور مذاکرات شورای پول و اعتبار و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی اشاره می شود :

۱ - بهره از عملیات بانکی حذف شده و یکسری نهاد های حقوقی به نام " عقود اسلامی "

جایگزین آن شود .

۲ - در بانکداری ربوی بانک به عنوان طرف تمام قرارداد ها قرار داد در حالیکه در

بانکداری بدون ربا از دیدگاه حقوقی یک نقش دوگانه وجود دارد . شخصیت اول در ارتباط با سرمایه بانک و سپرده های قرض الحسنه و حسابهای جاری است که بانک حق تصرف کامل در آنها را دارد . در بانک مالک سپرده های قرض الحسنه می شود منتهی مالکیت بانک برای بانک ضمانت آوراست . در

- سپرده های سرمایه گذاری مدت دار بدون ربا، بانک در نقش واسطه و وکیل مطلق است .
- ۳ - بانک بدون ربا برای اعطای وام قرض الحسنه حق دریافت کارمزد دارد .
- ۴ - بانک بدون ربا در اعطای تسهیلات مدت دار حق دریافت حق الوکاله دارد .
- ۵ - کارمزد و حق الوکاله جزء درآمدهای بانک است و نمی تواند به سپرده گذاران اعطاء شود . بلکه باید بین کارکنان بانکها توزیع گردد .
- ۶ - سرمایه افراد که به عنوان سپرده سرمایه گذاری مدت دار در بانک به حساب گذارده می شود حالت مشاع دارد . از اینرو يك شرکت قهری بوجود می آید . از طرف دیگر بدلیل مشاع بودن سرمایه ها ، سود نیز مشاع است .
- ۷ - بانک می تواند به سپرده های سرمایه گذاری در صد سودی به عنوان " علی الحساب " اعطاء کند . در پایان سال پس از محاسبه سود قطعی بانک ، مابه التفاوت می تواند مصالحه (صلح) شود و امکان جبران از طرف دولت وجود دارد .
- ۸ - در بانک دولتی فروش اوراق قرضه ربوی بین بانکها و بانک مرکزی و بین شرکتهای دولتی و بانکها اشکالی ندارد . زیرا همگی بخشهای مختلف دولت می باشند و از یک جیب به جیب دیگر رفته است .
- ۹ - وکیل مطلق می تواند به سرمایه گذار سود قطعی بدهد ولی مضارب این حق را ندارد .
- ۱۰ - در بانکداری بدون ربا اعتبار وجود ندارد و وام تنها در شکل قرض الحسنه اعطاء می شود برای سرمایه گذاری نیز تسهیلات مالی اعطاء می شود .
- ۱۱ - پرداخت سود به سپرده های سرمایه گذاری برد و پایه مبلغ و مدت صورت می گیرد .
- ۱۲ - با توجه به اینکه بانک بدون ربا سپرده های سرمایه گذاری مدت دار را به عنوان وکیل

از طرف سپرده گذار دریافت می کند تا با استفاده از عقود اسلامی وارد جریان سرمایه گذاری کند ، در این صورت اگر سرمایه تلف شود یا زیان ببیند قهرا متوجه سپرده گذار است چون بانک وکیل است و وکیل يك امانت دار (امین) است و ضمانتی متوجه اون نیست اگر افراط یا تفریط در حفظ سرمایه نکرد باشد . از طرف دیگر نیز عامل در امر سرمایه گذاری نیز نسبت به ضرر حاصله تعهدی نداشته و فقط در سود شریک است . با توجه به این دو مورد تضمین اصل سرمایه در بانکداری بدون ربا ضروری است . البته این تضمین به دلیل متنوع بودن پرتفوی بانک در سرمایه گذاریهای مختلف عملاً وجود دارد . البته با شرط ضمن عقد وکالت نیز صاحبان سرمایه می توانند تضمین حقوقی برای اصل سرمایه خود بدست آورند . مشکلی که پیش آید آنست که به دلیل جایز بودن عقد وکالت شرط ضمن عقد وکالت نیز جایز است . در این حالت تضمین بانک از طریق بیمه نمودن اصل سرمایه یا حتی ضمانت خود وکیل به عنوان شخص ثالث امکان پذیر است (۱۱) .

۱۲ - اگر بانک بخواهد هر سپرده ای را در یک قرارداد مشخص و بایک حساب مخصوص وارد سرمایه گذاری نماید و حساب آنرا به صورت مشخص تا آخر رسیدگی کند ، این کار به علل مختلف امکان پذیر نیست و به فرض امکان به صرفه اقتصادی نمی باشد زیرا مستلزم هزینه گزافی است از جمله اینکه حق الوکاله را زیاد نمود و بانک را از نظر پرسنلی و ۲۰۰۰ دلار مشکل جدی می نماید . از طرف دیگر سپرده ها از نظر حجم و مدت زمانی که نزد بانک می مانند ، تفاوت بسیار داشته و این امر به نوبه خود بر غامض بودن مشکل می افزاید . علاوه بر آن اگر یکی از قراردادها (به عنوان مثال مضاربه) زیان داشت دیگر نمی توان از سود سایر قراردادها بدان پرداخت کرد . بنابراین ضرورت می یابد که بانک سپرده ها را به شکل مشاع در فعالیت های تولیدی و اقتصادی وارد کند . هر چند امکان قبضول سپرده برای پروژه های خاص در کنار سرمایه گذاری مشاع نیز وجود دارد ، در صورت مشاع بودن

سرمایه ها ، هر صاحب سپرده ای در کل فعالیت اقتصادی انجام شده حق دارد ، از این رومی تواند از تمامی سود های بدست آمده به نسبت سپرده خود سود دریافت کند . بدین ترتیب خود به خود تضمین سود عملاً امکان پذیر می گردد و زیان یک طرح با سود سایر طرحها جبران می شود .

۱۴ - وجوهی که سپرده گذاران به بانک قرض می دهند ، بانک مالک آنها شده و هر تصرفی بخواهد در آن انجام می دهد . البته ملکیت بانک ضمان آور است . بانکها می توانند با اعطای جایزه به قید قرعه ، سپرده های قرض الحسنه جذب کنند .

۱۵ - سپرده های سرمایه گذاری مدت دار از طریق یکی از عقود و قرارداد های لازم یا جایز وارد جریان سرمایه گذاری می شوند .

عقود سرمایه گذاری لازم عبارتند از : فروش اقساطی ، معامله سلف ، اجاره به شرط تملیک ، مزارعه و مساقات . عقود سرمایه گذاری جایز عبارتند از : مضاربه ، جعاله ، مشارکت و وکالت .

۱۶ - در قرارداد هایی که یکی از طرفین نقش عامل را دارد مانند مضاربه ، مزارعه و مساقات اگر سرمایه بدون تعدی و افراط عامل از بین برود یا معیوب شود یا بطور کلی تولید و تجارت زیان دهد ، عامل نباید خسارت را جبران کند . در این صورت برای آنکه جذب سپرده های سرمایه گذاری با مشکل مواجه نشود ، بانک می تواند با عامل شرط کند که در صورت وقوع خسارت تمام یا بخشی از آن را تامین کند یا آنکه آنرا ، باسپرده گذار مصالحه نماید .

۱۷ - در بسیاری از کشورهای اسلامی که بانکداری بدون ربا تاسیس شده با حذف بهره ، عقد مضاربه جایگزین آن شده است . باتوجه به تعریف مضاربه که به تجارت به معنای اعم - میادلات - اختصاص دارد ، شامل تمامی اقسام معامله می شود ولی تمامی فعالیتهای اقتصادی را پوشش نمی دهد . بنابراین می توان از سایر عقود هم بهره جست .

- ۱۸ - د ر عقد مشارکت بانك بدون ربا به متقاضی وام نمی دهد بلکه با او شريك می شود . البته اگر یکی از د و شريك علاوه بر شرکت در امر سرمایه گذاری کار دیگری هم انجام دهد مانند مدیریت پروژه و ۰۰۰۰ می تواند سهم بیشتری از سود را مطالبه کند . مشارکت تمامی انواع سرمایه گذاری را شامل می شود . هرد و نوع مشارکت یعنی : " مشارکت مدنی " و " مشارکت حقوقی " در عمل همین هدف شريك شدن با افراد حقیقی یا موسسات حقوقی در سرمایه راد نبال می کنند .
- ۱۹ - اجاره به عنوان يك قرارداد شرعی به د صورت اجاره مطلق و اجاره به شرط تملیک ، موجر مال الاجاره را به قصد استفاده مستاجرا ز مال الاجاره د ر ازای پرداخت اجاره د ر اختیار وی قرار می دهد . منتهی د ر اجاره مطلق پس از انقضای مدت ، اصل مال به موجر برمی گردد د و لسی د ر اجاره بشرط تملیک به شرط ضمن عقد یعنی مالکیت مستاجر د ر پایان مدت عمل می شود .
- ۲۰ - د رجعاله بانك به اشخاص اعلام می کند که هرکس بتواند از سرمایه بانك استفاده کند ، از سودی که بدست می آید می تواند يك نسبت مورد توافق از آنرا تصاحب کند . د ر این قرار داد ، بانك هیچگونه خسارتی را نمی پذیرد . یعنی د ر صورت زیان آوری د ر طرح سرمایه گذاری نه تنها د ریافت کنند ه تسهیلات حق د ریافت مبلغ تعیین شده به عنوان جعل را ندارد بلکه د ستمزد هم به وی تعلق نمی گیرد . جعاله فراگیر تر از مضاربه است و د تمامی انواع سرمایه گذاری کاربرد دارد .
- ۲۱ - د معامله سلف بانك قسمتی از سرمایه د ر گردش مورد نیاز واحد های تولیدی را تامین می کند . بدین ترتیب که بانك با تولید کنندگان توافق می کند که محصولات آنها را پیش خرید نماید . بانك با فروش کالا د رموعده مقرر علاوه بر بازگشت سرمایه خود ، می تواند سودی نیز عاید خود سازد .
- ۲۲ - د رفروش اقساطی بانك کالایی را خریداری نموده و آنرا به متقاضی بطور اقساط مدت دار می فروشد . این قرارداد د ر تمامی بخشهای اقتصادی کاربرد دارد و با پرداخت وجه مورد نیاز متقاضی ،

فرد از طرف بانک د خرید کالا وکیل می شود .

۲۳ - د خرید دین ، اوراق بهادار تجاری به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی آن تنزیل می شود.

ویدین ترتیب بانک می تواند مشکل نقدینگی موسسات اقتصاد ی را برطرف سازد .

۲۴ - باقرارداد مزارعه بانک نیازهای مالی کوتاه مدت متقاضیان در بخش کشاورزی را تامین

می کند . در این حالت زمین از یکی از طرفین و کار کشاورزی از جانب دیگری صورت گرفته و پس از تولید ، محصول آن بین آن د و به نسبت سهم هر یک تقسیم می گردد . در این قرارداد بانک باید مالک زمین باشد .

۲۵ - در مسابقات قرارداد ی بین صاحب باغ و درختان میوه آور (یعنی بانک) و کشاورز

منعقد می گردد و محصول بدست آمد ه بین د و طرف به نسبت سهم تعیین شده تقسیم می گردد .

۲۶ - د سرمایه گذاری مستقیم بانک تمامی سرمایه لازم جهت اجرای طرحهای تولیدی را

تامین می کند و خود مستقیماً وارد کار سرمایه گذاری می شود .

همانگونه که ملاحظه می شود د رمز اکرات شورای پول و اعتبار و مجلس شورای اسلامی سعی

شده از طریق انعقاد قرارداد های مختلف جایگزینی برای نرخ بهره در تجهیز و تخصیص منابع یافت شود .

مرحله هفتم - اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا (۶۸ - ۱۳۶۳) :

طی شش سال اجرای بانکداری جدید د جمهوری اسلامی ایران بانکها به تدریج خود را با

قانون جدید تطبیق دادند و به اعطای تسهیلات بر طبق روشهای جدید به نام عقود اسلامی پرداختند .

دوره آموزشی روسای شعب ، کارگزاران تسهیلات و کارکنان بانکها عمدتاً طی - الهای یاد شده

انجام شده است و سیستم بانکی سعی کرده است به تدریج د استفاده از آئین نامه و دستورالعملهای

اجرایی عقود متبحر شود . در اینجا بی مناسبت نیست که به برخی از موارد مهمتر د عملکرد اعطای

تسهیلات بانکی با عقود اسلامی طی سالهای مذکور اشاره نمائیم .

۱ - تمرکز تسهیلات اعطایی در تعداد محدودی از عقود بیش از نیمی از تسهیلات اعطایی در عقود خاصی متمرکز شده . به گونه ای که طی سال ۱۳۶۳ معادل ۶۶/۱ درصد از کل تسهیلات اعطایی در قالب سه عقد : فروش اقساطی ، مضاربه و مشارکت مدنی متمرکز گردیده است . ارقام مشابه برای سالهای ۶۸ - ۱۳۶۴ بترتیب ۶۱ ، ۶۴/۳ ، ۶۸/۶ ، ۶۸/۸ ، ۶۹/۸ بوده است . بنابراین از عقود یاد شده نسبت به سایر عقود بیشتر استفاده شده است .

۲ - کاهش سهم وام قرض الحسنه اعطایی در کل وجوه تخصیص داده شده توسط بانکها به گونه ای که از ۱۰/۵ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۷/۴ درصد در سال ۱۳۶۸ کاهش یافته است . به رغم آنکه سپرده های قرض الحسنه از ۷۸/۴ میلیارد ریال به ۵۶۴/۵ میلیارد ریال افزایش داشته است .

۳ - به رغم آنکه در قانون عملیات بانکی بدون ربا در استفاده از عقود مزارعه و مساقات تاکید شده در تسهیلات اعطایی این دو عقد مشاهده نمی شوند . یکی از دلایلی که ممکن است در این باره وجود داشته باشد آنست که در مزارعه و مساقات ، بانک باید خود مالک باغات و مزارعی باشد و آنها را به مزارعه یا مساقات بدهد . از اینرو تنها در مورد مایملک بانکها این عقود بکار می رود و با توجه به قلت موارد وجوه تخصیصی ، ناچیز است .

۴ - استفاده از خرید دین طی سالهای ۶۸ - ۱۳۶۳ روند نزولی داشته است به گونه ای که از ۱۱/۴ درصد به ۰/۶ درصد کل تسهیلات اعطایی بانکها کاهش یافته است در حالیکه خرید دین یکی از عقود است که می تواند در سطح گسترده مورد استفاده قرار گیرد .

۵ - مطالبات معوق بانکها از ۱/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۳ به ۱۶۸/۹ میلیارد ریال افزایش یافته است . یکی از مواردی که اهمیت نظارت و اخذ تضمین کافی در اعطای تسهیلات را یاد آور

می‌شود، روند صعودی مطالبات معوق بانکهاست.

۶ - مضاربه به عنوان عقدی که در بازرگانی و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد طی سالهای یاد شده روند صعودی و شتابنده داشته است، به گونه‌ای که از ۱۳۴/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۳ به ۸۱۰/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ افزایش یافته است. این امر حاکی از رشد بخش دلالی، مشاغل توزیعی و خدماتی طی سالهای مورد بحث است. البته اگر تسهیلات اعطاء شده تحت عنوان سایر عقود که در مشاغل توزیعی، خدماتی و صادرات و واردات بکار گرفته شده را بدان بیافزاییم، سهم مضاربه در تسهیلات اعطایی بسیار بیشتر خواهد شد. بویژه آنکه در مضاربه مبلغ کل تسهیلات و سهم سود بانک بالاست و بازگشت سرمایه و سود آن در کوتاه مدت صورت می‌گیرد. البته استفاده بیشتر از عقود کوتاه مدت تاثیر معکوسی بر ثبات پرتفوی دارایی بانکها داشته و ریسک را افزایش می‌دهد.

مرحله هشتم - تدویم اجرای قانون و تحولات جدید:

این مرحله که از سال ۱۳۶۹ آغاز گردید و طی سالهای اجرای نخستین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دنبال شد، علاوه بر تدویم عملیات بانکی به روال گذشته، تحولاتی نیز بشرح ذیل در سیستم بانکی ایجاد گردید:

(۱) - سه نوع سپرده سرمایه گذاری جدید، دو ساله، سه ساله و پنج ساله به انواع سپرده‌های سرمایه گذاری مدت دار قبلی اضافه شد. و اجازه یافتند بطور علی الحساب ماهانه به سپرده‌گذاران سود اعطاء نمایند.

(۲) - نرخ سود سپرده‌های سرمایه گذاری کوتاه مدت (زیر یکسال) و یکساله افزایش یافت.

(۳) - در سال ۱۳۷۰ بانکها مجاز گردیدند در جذب منابع پس از ایفای تعهدات قانونی

به اعطای تسهیلات بپردازند. متعاقب آن تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی شدیداً افزایش یافت. این اقدام در جهت ایجاد رقابت بین بانکها در جذب نقدینگی و سودآوردن سیستم بانکی صورت گرفت و توانست سود بانکها را افزایش دهد.

(۴) - در سال ۱۳۷۰ بانکهای تجاری مکلف شدند معادل ۲۶ درصد از مانده سپرده های دیداری بخش خصوصی نزد خود را به خرید اوراق قرضه اختصاص داده و ۲۰ درصد افزایش مانده تسهیلات خود به بخش خصوصی را در اختیار بانکهای تخصصی قرار دهند.

در خط مشی های مصوب برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش پول و اعتبار محورهای ذیل مورد نظر بوده است:

(۱) - کنترل عرضه و تقاضای پول و هدایت مکانیسم بازار پول از محورهای مورد نظر در برنامه است. به همین لحاظ سیاستهای مختلفی در بازار پول بطور مستقل از بازار کالا پیش بینی شده است.

(۲) - اعطای تسهیلات سیستم بانکی به متقاضیان براساس ضوابط اقتصادی و توجیحات فنی و مالی.

(۳) - انتشار اوراق قرضه به عنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی.

(۴) - بازنگری در قوانین، مقررات و ضوابط موسسات مالی در بازارهای پولی متناسب با

تحولات داخلی و بین المللی.

(۵) - افزایش نرخ سود سپرده های بانکی و نرخ بازدهی تسهیلات برای تشویق پس انداز و

تخصیص بهینه منابع.

(۶) - جلب مشارکت بیشتر بخشهای خصوصی و تعاونی در ارائه خدمات بانکی و توسعه

فعالیت موسسات اعتباری غیربانکی.

زیرنویسها :

- ۱ - مرتضی والی نژاد ، " مجموعه قوانین ومقررات بانکی " ، تهران : بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۶۸ .
- ۲ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، تحولات اقتصادی کشور پس از انقلاب ، ۱۳۵۸ .
- ۳ - نجات ۰۰۰۱ صدیق ، بانکداری بدون بهره ، ترجمه وتنظیم : اکبرمهدی پور عطا آبادی ، روزنامه جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۵۸/۷/۲۱ .
- ۴ - سازمان برنامه وبودجه ، دفتر اقتصاد بین الملل ، " بهره وربا " ، تهران : تیرماه ۱۳۵۸ ص ، ۶۰ .
- ۵ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، اداره برررسیهای اقتصادی ، طرح ادغام بانکها ، ۱۳۵۸ ص ۰۵ .
- ۶ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، اداره برررسیهای اقتصادی - " سیستم بانکی موجود و مسایل مربوط به سیستم بانکی آینده " آذرماه ۱۳۶۲ .
- ۷ - علی اصغر هدایتی ودیگران ، عملیات بانکی داخلی ۲ - تخصیص منابع ، تهران : مرکز آموزش بانکداری مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۶۷ ص ۲۲۷ .
- ۸ - بخشی از نظرات کانون اسلامی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۵ منتشر گردید نقل می گردد : " تغییر اخیری که تحت عنوان حذف بهره صورت گرفته ، بهره رادر سیستم بانکی از بین نبرده بدین علت که در اسلام قرارداد قبلی به عنوان سود وجود ندارد .۰۰۰۰ ونمی توانیم مبلغ مشخصی را از قبل تعیین کنیم وبگوئیم این مقدار سود به شما می دهیم . حال اسمش سود تضمین شده باشد یا بهره . فرق نمی کند واز نظر شرع اسلام حرام است . درصدی هم که به عنوان کارمزد گرفته می شود چون آنرا تابع مبلغ ، قرارداد ه ایم صحیح نیست و غیر اسلامی است . بنابراین هر چند بانکها به علت کم شدن نرخ بهره بیشتر در خدمت مردم قرار گرفته اند ولی " ربا " هنوز از سیستم بانکی حذف نگردیده است . سوالی که هنوز پاسخ داده نشده آنست که آیا بانک در جامعه اسلامی يك سیستم سود آور است یا خود کفاست که سود محور عملیات آن نیست ولی هزینه های خود را تامین می کند ویا اینکه سیستمی زیان دهاست .

به عقیده ما حالت اول صد درصد باطل است و حالت دوم ایده آل است. در سیستم کنونی برقراری حد اقل سود تضمین شده روشن نیست که ماد رکد امیک از سه حالت قرار می‌گیریم. اگر بخواهیم به عملکرد این سیستم نگاه کنیم می‌بینیم این سیستم هزینه‌هایی بردوش دولت تحمیل می‌کند از اینرو سومین نوع سیستم بانکی است. از طرف دیگر بهره را از بین نبرد و اعطای وام با کارمزد ثابت ۴ درصد و اعطای حد اقل سود تضمین شده ۷ تا ۸/۵ درصد به سپرده‌گذاران است. بهر حال مقامات باید وضعیت خود را در قبال سیستم بانکی مشخص کنند که چه نقشی در جامعه اسلامی باید داشته باشند.

۹ - تبصره ۵۴ قانون بودجه سال ۱۳۶۰.

۱۰ - اعضای شرکت کننده در جلسات شورای پول و اعتبار طی سالهای یاد شده برای بحث درباره بانکداری بدون ربا عبارت بودند از: رئیس کل بانک مرکزی (دکتر محسن نوربخش)، معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی (آقای امیراصلانی)، د نماینده وزیر امور اقتصادی و دارایی (آقای عرب زاده و دکتر ایرج توتونچیان)، معاون وزارت بازرگانی (آقای هدایت زاده) نماینده وزیر بازرگانی (آقای نهاوندیان) معاون وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (مهندس مظاهری) نماینده وزیر صنایع (آقای جهان بین)، کارشناس بانک مرکزی (آقای مهدوی نجم آبادی) نماینده قوه قضائیه (آقای میرمعصومی) و آیت ۰۰۰۱ رضوانی عضو شورای نگهبان.

۱۱ - لازم به تذکر است برخی فقها ضامن شدن وکیل را صحیح نمی‌دانند ولی طبق نظر حضرت امام (ره) ضمانت وکیل اشکالی ندارد.